

بوی بکنید و او را از آنجا نمان و خصلان محفوظ و از بدو مصلحتی در دست
 شماست و الا اندیشه شما آنست که او را بدین شیوه بسیار بد و بگزارند
 که او را بدین شیوه ساقط او را تکه کنید که در عز و منزهت در شهر مقرر
 است گفتیم شنوید و دانستیم یا رسول الله سخن گوی و در
 شریعی و خواهی از بدو خود و خدای از ما میبستان پس حضرت رسول
 علیه الصلوة والسلام آغاز قرآن خواندن کرد و ما را به اسلام
 خواند بعد از آن فرمود که بیعت با شما بر آن میکنم که از همه زبانی
 و فرزندان خود را نگاه میدارید و از آن نگاه دارید و بدین
 برای من معهود است مباد که او بگرفت و گفت بدان خدای
 که تو را براسی میست که تو را همچنان محافظه کنیم که محل از آن
 خود و بیعت کنی با اهل عرب و اسلام که عید از آن بر آن
 یافتیم پس به شریعتی که التماسی گفت میان ما و بود عهد است
 و از آن قطع نخواهیم کرد اگر چیزی کنیم و خدای تو غالب گرداند
 وقت باشد ما را بدو شریعتی و با تو قوم خود پیوندی پیغمبر
 علیه الصلوة والسلام از آن قسم فرمود و گفت بلکه خون من خون
 شماست و خواهی شما مرا میبست و من شما از یکدیگر با
 دوستان شما دوستی کنم و با دشمنان شما دشمنی و دوازد و تو از دشمنان
 خود اختیار کنی تا غیب قوم خود باشند پس دوازده نفر را
 کردیم و مردان خود را و هر کس از آن کس و حضرت رسول الصلوة والسلام

بسم الله الرحمن الرحیم
 الحمد لله رب العالمین
 و الصلوة والسلام
 علی سیدنا محمد
 و آله الطیبین الطاهرین
 المعصومین
 و علی جمیع اهل بیت
 الطهارت
 و علی جمیع اهل
 الاسلام
 و علی جمیع اهل
 الارض
 و علی جمیع اهل
 السموات
 و علی جمیع اهل
 الخلق
 و علی جمیع اهل
 المخلوقات
 و علی جمیع اهل
 البرزخ
 و علی جمیع اهل
 القبر
 و علی جمیع اهل
 النور
 و علی جمیع اهل
 الظلمة
 و علی جمیع اهل
 الجنة
 و علی جمیع اهل
 النار
 و علی جمیع اهل
 السموات
 و علی جمیع اهل
 الارض
 و علی جمیع اهل
 الخلق
 و علی جمیع اهل
 المخلوقات
 و علی جمیع اهل
 البرزخ
 و علی جمیع اهل
 القبر
 و علی جمیع اهل
 النور
 و علی جمیع اهل
 الظلمة
 و علی جمیع اهل
 الجنة
 و علی جمیع اهل
 النار

التفتی المانی
 محمد

و سلامه علیه فرمود که شما نیز عهد فرمود خود همچون این شد
 و از قریب مرعوبی بر من نشینید گفتند آری چه حاجتی داری
 که از عاصم بن عمرو بن قناده که چه اختراع کرده که بیعت کنند
 عاصم بن قناده بن فضلة انصاری گفت ای جامع فرود
 باید که بداند که با این مرد بیعت بر چه میکند شما بیعت
 بر چه مجموع خلایق می کنید اگر میداند که اگر مال شما جلد
 نبرد شود و بر زبانی شما کشته شود و از روی روی گویان
 شوید همه زبانی او را تزلزل کنید تا رسوا و دنیا و آخرت نسویم
 و اگر میداند که بر عهد وفا کنید و از قتل بر زبان و نیست
 شدن نیندیشید او را بخود گیرید و الله بهترین و زیاده و آخر
 دنیا و آخرت است گفتند ما او را بر قتل اشراف و مصیبت احوال
 فرامیگیریم یا رسول الله اگر وفا برین عهد کنیم ما را چه باشد
 فرمود که همیشه شش کشته و دست بکشای و بکشود و بپزد و بپزد
 و عاصم بن عمرو بن قناده گفت عاصم بن قناده از آن شب
 آن سخن گفت تا شد عهد پیغمبر علیه الصلوة والسلام را بگویند
 ایشان محکم ببرد و عهد برین گوی بگر عاصم آن سخن از آن
 عهد گفت تا ناخیر کنند و باز شب دیگر اندازند و عهد بر
 گوی بن سواد که با ایشان حاضر کرده و عهد فرمود و حکم نداشتند
 و الله اعلم بقیة یوم الحجاز و عوی کردند اول ابوالکمال اسحاق

گفت